

# برگزیده ها

## تاریخ را ورق بزنیم

به مناسبت بیستمین سال حکومت «ولایت مطلقه قیه» در ایران

بی تردید بیست سال بخش قابل توجهی از عمر هر یک از ما به شمار می رود، ولی همین مدت در عمر کشوری چون ایران که فقط بیش از دو هزار و پانصد سال تاریخ مکتوب دارد، دوره ای بسیار کوتاه به حساب می آید. در تاریخ، نام و آوازه ایران با قدرت یافتن هخامنشیان آغاز شد و دست و پنجه نرم کردن آنان با یونان. بعد ایران گرفتار حملات اسکندر شد و حکومت جانشینانش. چند قرن بعد ساسانیان به عنوان یکی از دو قدرت بزرگ زمان در برابر امپراطوری رم قرار گرفتند. پس از گذشت مدتی بیش از چهار قرن، ایران از سوی تازیان نومسلمان مورد حمله قرار گرفت، که بنا حملات مداوم خود تغییراتی بنیادی در کشور ما به وجود آوردند که از جمله آنها بود مسلمان شدن اکثر ایرانیان طوعاً او کرهاً، مهاجرت گروهی از ایرانیان به هند، و اشغال ایران به مدتی بیش از دو قرن. شش قرن بعد، مغولان خاک ایران را به توبره کشیدند و به مانند تازیان سیل خون در گوشه و کنار ایران جاری ساختند. تنها حسن کارشان این بود که با خود دینی به ارمغان نیاوردند؛ آنان به دین خود بودند و ایرانیان به دین جدید خود. بعد نوبت به تیمور گورکان مسلمان رسید که از قماش همان تاتاران بود و صفت بارز حکومتش ساختن کله منارها بود از سر مسلمانان بیگناه. بعد، یکی از ایرانیان به نام شاه اسمعیل گام پیش نهاد و پس از نه قرن که از سقوط ساسانیان گذشته بود، وحدت ایرانزمین را تأمین کرد. اما با رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه و کشتار بی امان سنیان که اکثریت ایرانیان را تشکیل می دادند. از آن تاریخ به بعد، بار دیگر، ما صاحب کشوری شدیم یکپارچه به نام ایران با محدوده جغرافیایی-سیاسی

خاص. ایران در دوران صفویه و قاجاریه بارها مورد حملات همسایگان خود، دولتهای عثمانی و روسیه قرار گرفت. قفقاز را در زمان فتحعلی شاه قاجار روسها گرفتند، انگلیس ها موجبات جدایی افغانستان امروزی را از ایران فراهم ساختند. به علاوه از دو قرن پیش، انگلیس و روس به صورتهای مختلف در امور ایران آشکارا دخالت می کردند. ایران سپر دفاع مستعمره هند انگلستان بود، و شاید راز باقی ماندنش را نیز در همین امر باید جست. به علاوه انگلستان در جنگها و اختلافات ما با روسها و عثمانیها همیشه «داوطلبانه» نقش میانجی را به عهده می گرفت و بدین وسیله مقاصد خود را به ایران تحمیل می کرد. ناگفته نگذارم که در این موضوع، بر انگلستان یا هر کشور مقتدر دیگری، در گذشته و حال، مطلقاً ایرادی نیست. دولتهای بزرگ برای حفظ منافع خود هرچه از دستشان برآید انجام می دهند، آن هم انگلستانی که در آن زمان به درستی مدعی بود آفتاب هرگز در امپراطوری اش غروب نمی کند. با پایان یافتن جنگ جهانی اول و شکست دولتهای عثمانی و روسیه تزاری، دو دولت فاتح جنگ، انگلیس و فرانسه، در مستملکات عثمانی دولتهای سوریه و لبنان و اردن و عراق و عربستان سعودی را به اراده خود به وجود آوردند. پس از پایان این جنگ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جانشین روسیه تزاری گردید. ایران عصر قاجاری در آن روزگار گرفتار ضعف و آشفتگی بسیار بود. مردم ناراضی بودند و کشور گرفتار ناامنی بود و هر گوشه مملکت در دست خانی و گردنکشی. منافع انگلیس و روس هم ایجاب می کرد که در ایران دولت مقتدری بر سر کار بیاید، با تأیید انگلستان رضاخان بر سر کار آمد که پس از مدتی منافع ایران را بر انگلستان ترجیح داد و پس از چند سال بدو آن رسید که به چنین کسانی می رسد. انگلستان در جنگ دوم جهانی، پس از اشغال ایران با همکاری شوروی، رضاشاه را با اکثر افراد خانواده اش تبعید کرد و به جنوب افریقا برد تا وی در همان جا درگذشت. نارضایی انگلستان از رضاشاه تا بدان حد بود که پس از تبعید وی در صدد برآمد فردی را از خاندان قاجاریه بر تخت سلطنت ایران بنشاند که داستان آن مفصل است. از جنگ جهانی دوم به بعد، علاوه بر انگلستان و شوروی (روسیه سابق)، ایالات متحده امریکا نیز در ایران صاحب حق شد و به صورت قدرت درجه اول در ایران و خاورمیانه درآمد. چنان که در چند سال اخیر نیروهای زمینی و دریایی و هوایی امریکا در خلیج فارس و در کشورهای کوچک تازه استقلال یافته خلیج فارس مستقرند و کوچکترین حرکتی را در این منطقه زیر نظر دارند. «گر بر سر خاشاک یکی پشه بجنبد / جنبیدن آن پشه عیان در نظر ماست». با توجه به آنچه گذشت، مسلم است که در کشورهایی به مانند ایران نیز آمدن و رفتن حکومتها بی تأیید و پشتیبانی قدرتهای خارجی انجام نمی شود.

سازمان ملل متحد، میثاقهای بین المللی، حقوق بشر، دموکراسی، انتخابات آزاد، آزادی مطبوعات و مطالبی از این گونه، اهرمهایی ست در دست قدرت بزرگ زمان برای واژگون ساختن حکومتهایی که به گونه ای باب پسند او نیستند. به کشور عربستان سعودی نظری بیفکنید که حتی نام کشور، برگرفته از اسم خاندانی ست که بر آن حکومت می کند. از زمان تأسیس این دولت پس از جنگ جهانی اول تا کنون - تنها کشور منطقه است که در ارکان حکومتش کمترین تغییری روی نداده است. زمامدارانش هرگز مورد ملامت قرار نمی گیرند که چرا حقوق بشر را مراعات نمی کنند، چرا در آن جا زنان از هر گونه حقی محرومند، چرا مطبوعات آزادی ندارند، چرا حکومت، یکپارچه در دست خاندان سلطنتی ست. چرا قوانین شرع اسلام به شدت در آن جا به موقع اجرا گذاشته می شود که از جمله آنهاست گردن زدن در ملاعام. حتی در «مطبوعات آزاد» غربی از آن حکومت، به عنوان بنیادگرا (fundamentalist) نیز نام نمی برند. از طرف دیگر دو سالی ست که در افغانستان حکومت طالبان به وجود آمده که روی حکومت عربستان سعودی و ولایت فقیه ایران را سفید کرده است. ولی قدرت زمان را با طالبان نیز کاری نیست، گرچه طالبان را تا کنون دو یا سه کشور بیشتر به رسمیت نشناخته اند. ذکر همین دو نمونه کافی ست، چه از قدیم گفته اند خردمندان را اشارتی بسنده است.

ایران از چند سال پیش از انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ به عنوان این که حقوق بشر را مراعات نمی کند مورد حمله مراجع بین المللی و دولت امریکا و شخص رئیس جمهوری وقت آن کشور، جیمی کارتر قرار گرفت. در حالی که می گفتند نام کشورهای دیگری پیش از ایران در لیست کشورهای قرار داشته است که حقوق بشر را مراعات نمی کردند و یکی از آنها عربستان سعودی بود. در چنان اوضاع و احوالی انقلاب اسلامی به رهبری «امام خمینی» با شور و هیجان و پشتیبانی بی چون و چرای تمام گروههای سیاسی و مذهبی ایران از چپ چپ تا راست راست پیروز شد. به علاوه در چند سال پیش از پیروزی انقلاب نیز کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در سراسر جهان به مبارزات شدید علیه محمد رضا شاه پهلوی مشغول بود. در اسنادی که دست اندرکاران همین کنفدراسیون در سالهای اخیر منتشر کرده اند به یک سؤال نخواستہ اند یا نتوانسته اند جواب بدهند و آن این است که منابع مالی کنفدراسیون از کجا تأمین می شده است!

به هر حال با توجه به آنچه گذشت، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تاریخ ایران ورق خورد. دوران مشروطیت ایران و سلطنت پهلوی ها به پایان رسید. جمهوری اسلامی ایران به رهبری «امام خمینی» - بر اساس «ولایت مطلقه فقیه» که در نزد روحانیان طراز اول شیعی نیز

کاملاً ناشناخته بود - جانشین دوران پیش گردید و کارهای مملکت یکسره در اختیار دستاربندان قرار گرفت.

برگزیده های این شماره را، به مناسبت بیستین سال حکومت «ولایت مطلقه فقیه» در ایران، به برخی از سخنان رجال این حکومت و عملکردهای آنان اختصاص داده ایم.

### آغاز ماجرا: زنان و انتخابات

در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ در زمان نخست وزیری امیراسدالله علم آیین نامه انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی به تصویب هیأت وزیران رسید که در آن به زنان حق رأی داده شده بود. آیت الله خمینی در ۲ ذیحجه ۱۳۸۳ ه. ق. در سخنرانی خود در قسم مداخله زنان را در انتخابات خلاف اسلام اعلام نمود و از این کار با عبارت «ما با این فحشاء مخالفیم» یاد کرد. سپس تلگرافی نیز در مخالفت خود با این تصویبنامه به شاه مخابره نمود. بلافاصله مهندس مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی به وی پیوست و در اعلامیه خود نوشت: «... دولت موظف است در تمام مصوبات خود اصول مسلمة اسلام و قانون اساسی را رعایت کند...» و در پایان «مداخله زنان در امور اجتماعی چون مستلزم امور محرّمه و توالی فاسده کثیره است ممنوع و باید جلوگیری گردد». گروه مجاهدین هم با صدور اعلامیه ای اظهار نظر کرد که «... شاه و ایادی شاه بدانند مردم مسلمان ایران نمرده اند که برخلاف عقاید دینی آنان این گونه علنی اقدام شود...».

بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی در ایران، جلد اول، ص ۱۸۳-۱۸۴

مبارزه آیت الله خمینی و دیگر آیات عظام پس از تصویب لوایح ششگانه و اعلام تساوی کامل زنان با مردان در سال ۱۳۴۲ اوج گرفت. به ابتکار آیت الله خمینی اعلامیه ای به امضای: مرتضی الحسینی اللنگرودی، احمد الحسینی الزنجانی، محمد حسین طباطبایی، محمد الموسوی الیزدی، محمد رضا الموسوی الگلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری، روح الله الموسوی الخمینی، هاشم الاملی، مرتضی الحائری روحانیون حوزه علمیه قم صادر گردید که در آن تصریح گردیده است:

«... روحانیت ملاحظه می کند که دولت مذهب رسمی کشور را ملعبه خود قرارداد و در کنفرانسها اجازه می دهد که گفته شود قدمهایی برای تساوی حقوق زن و مرد برداشته شده. در صورتی که هر کس که به تساوی حقوق زن در ارث و طلاق و مثل اینها که جزء احکام ضروری اسلام است معتقد باشد و لغو نماید، اسلام تکلیفش را تعیین کرده است...»

همان کتاب، ص ۲۹۶-۳۰۲

سپس آیت الله خمینی به عنوان اعتراض، عید نوروز ۱۳۴۲ را «عزا» اعلام کرد. دنباله این اعتراضها به برخورد خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و تبعید آیت الله به ترکیه و بعد به عراق منجر گردید. وی در سال ۱۳۵۷ از عراق به پاریس رفت و در مرکز خبری جهان قرار گرفت و در مصاحبه های خود با خبرگزاریهای مهم، توجه جهانیان را به خود جلب کرد.

#### برنامه فارسی B.B.C. رادیوی انگلستان

این رادیو در اواخر پادشاهی رضاشاه برنامه های تحریک آمیزی علیه وی پخش می کرد. در آن موقع هندوستان مستعمره انگلیس بود و رادیو دهلی نیز در همین زمینه فعالیت می کرد چنان که پس از تبعید رضاشاه به توسط انگلیسها به جنوب آفریقا، این رادیو اعلام کرد رضاشاه جواهرات سلطنتی را با خود برده است. پخش این خبر بلوایی در ایران و در مجلس شورای ملی به وجود آورد و دولت به عنوان عکس العمل ناچار شد عده ای از نمایندگان مجلس را به بانک ملی ببرد تا آنان به چشم خود ببینند که جواهرات همچنان در ایران است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷، نیز بار دیگر بی.بی.سی. ماهها به پخش اخباری درباره حوادث ایران می پرداخت، که به گونه ای در تأیید اقدامهای مخالفان شاه بود. با بالا رفتن تب انقلاب اسلامی در ایران روز به روز بر تعداد شنوندگان این رادیو در سراسر ایران نیز افزوده می گردید و به همین جهت بود که شاه چند بار گفته بود اگر برنامه های بی.بی.سی. قطع شود، شاید بتوان کاری کرد، و جواب شنیده بود بی.بی.سی. سازمانی مستقل است و دولت انگلیس نمی تواند در کار آن دخالت کند\* که البته کذب محض بود، زیرا تمام دولتهایی که برنامه های رادیویی و تلویزیونی برای کشورهای دیگر پخش می کنند، هدفشان تحت تأثیر قرار دادن شنوندگان بیگانه است به نفع سیاست دولت متبوع خود و به همین جهت است که هر سال بودجه ای کلان صرف این کار می نمایند. بین بی.بی.سی.، صدای امریکا، رادیو ایران در دوران شاه یا جمهوری اسلامی ایران هم تفاوتی نیست.

این رادیو از جمله، در یکی از برنامه های خود، سقوط حکومت شاه و ناآرامیهای بعدی در ایران و سرانجام بازگشت ایران را به ادوار گذشته بدین شرح پیش بینی کرد:

ایران در طول پنج سال آینده دستخوش تغییرات بنیادی عمیقی خواهد شد که پیامدهای آن سبب ضعف شدید بنیه مالی و نظامی ایران خواهد بود. پس از این دوره افت و خیز، حکومتی زمام امور را به دست خواهد گرفت که به علت ناتوانی مالی و نظامی، در برنامه های دیگر جایی برای رویای «تمدن بزرگ» وجود نخواهد داشت، و به سبب شرایط حاکم بر جو سیاسی و اقتصادی و

اجتماعی ایران، این کشور مقامی همبایه کشور همجوارش افغانستان را خواهد یافت و برای همیشه رؤیای پنجمین قدرت نظامی و سیاسی و اقتصادی جهان شدن را فراموش خواهد کرد.  
برنامه فارسی، ۱۷ آذر ۱۳۵۷ (ص ۸۲۵)\*

### ایالات متحده آمریکا

چند ماه پیش، ژیسکار دستن رئیس جمهوری پیشین فرانسه به تهران رفت (در اواسط سال ۱۳۷۷) در آن جا مصاحبه ای با او به عمل آمد که در روزنامه توس، تهران به چاپ رسید و همین موضوع به لغو امتیاز آن روزنامه انجامید زیرا مقامهای مسؤول جمهوری اسلامی گفتند در این مصاحبه به «امام خمینی» توهین شده است.

پرویز شهنواز که این مصاحبه را انجام داده است می گوید می کوشیدم روایت دست اولی از زبان بازیگران اجلاس گوادولوپ به دست بیاورم. جز ژیسکار دستن بقیه تن به گفتگو ندادند. وی در مصاحبه از ژیسکار دستن می پرسد:

آیا شما سران چهار کشور بزرگ [امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان] در گوادولوپ تصمیمی برای آینده ایران گرفتید؟ - پاسخ: «ما دور هم جمع شدیم و گفتگوهای انجام دادیم - اسناد محرمانه این گفتگوها وجود دارد. نماینده امریکا - اسم جیمی کارتر را نبرد - در آن اجلاس بود که زنگ خطر پایان حکومت شاه را به ما اعلام کرد. ایشان معتقد بودند که به زودی حکومت شاه فرو خواهد پاشید و یک نیروی نظامی - ایشان خیلی قاطعانه و مطلعانه در این باره تاکید می کردند - جانشین حکومت شاه خواهد شد.

کیهان، لندن، شماره ۷۲۸، ۲۳ مهر ۱۳۷۷

ذکر این مطلب لازم است که ژیسکار دستن پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران نیز، همین موضوع را در کتاب با مقاله ای نوشته بود.

### پیام شاه به ژیسکار دستن درباره حفظ جان آیت الله خمینی

در همان مصاحبه ژیسکار دستن می گوید:

آقای خمینی... از ما خواستند که به ایشان پناهندگی سیاسی بدهیم که تأمین باشند، در مدت اقامتشان در فرانسه. من با شاه تماس گرفتم. شاه گفتند: خواهش می کنم از آقای خمینی نگهداری شود و از نظر امنیت جانشان هم مسایل امنیتی رعایت شود. من نمی خواهم کوچکترین خطری برای

• شماره های صفحات در داخل پرانتز مربوط به مطالبی است برگرفته از بخش آخر کتاب توضیح المسائل، نوشته

شجاع الدین شفا، پاریس، ۱۳۶۱.

آقای خمینی به وجود بیاید، برای این که اگر مشکلی برای آقای خمینی در فرانسه پیش بیاید، به اغتشاش و آشوب در ایران می انجامد و مشکلات ما بیشتر خواهد شد و من تورا نخواهم بخشید.

همان روزنامه، همان شماره

### آیت الله خمینی: شاه را باید کشت

حبيب الله عسگر اولادی دبیرکل جمعیت مؤتلفه اسلامی که از طراحان قتل حسنعلی منصور نخست وزیر اسبق ایران بود و به همین جرم زندانی گردیده بود و تا انقلاب اسلامی در زندان بود و اینک از مهره های اساسی جمهوری اسلامی ایران به شمار است، در خاطرات خود نوشته است:

حضرت امام در روزهای اول، اعدام افراد درجه دوم و سوم را اصلاً مفید نمی دانستند. ایشان تعبیر می کردند که غیر از خودش (شاه) ترور دیگران مفید نیست و مضر است. چون کسان دیگر اگر ترور شوند، ختمی بر ایشان می گیرند و کس دیگر را به جای ایشان می آورند. در رابطه با مخالفت با اصل کار، ایشان جویری صحبت می کردند که مخالفت از آن صحبت فهمیده نمی شد. اما اصل موضوع ترور حسنعلی منصور در وقتی شد که ایشان را به ترکیه تبعید کردند. این تبعید به وسیله منصور تمام محاسبات را به هم زد و اگر حسنعلی منصور ترور نمی شد چه بسا در جاهای مختلف مردم صدمات زیادی تحمل می کردند....

مصاحبه ماهنامه گزارش با حبيب الله عسگر اولادی دبیرکل جمعیت

مؤتلفه اسلامی، به نقل از کیهان، لندن، شماره ۷۳۸، ۳ دی ۱۳۷۷

شاه: در شأن مقام سلطنت نیست که ملت خود را کشتار کند

سولیوان آخرین سفیر کبیر امریکا در ایران نوشته است:

ر بارها و بارها شاه به خود من گفته بود که « برای در هم شکستن انقلاب متوسل به قوه قهریه نخواهد شد زیرا «در شأن مقام سلطنت نیست که ملت خود را کشتار کند». این حرف البته جنبه احساساتی داشت و زیاد به منطق متکی نبود. ولی استدلال دیگر شاه که به عقیده من منطقی تر بود این بود که اگر به نیروهای مسلح فرمان حمله و تیراندازی بدهد، البته می تواند آتش انقلابی را که شروع شده است و دامنه اش دم به دم وسعت پیدا می کند برای باقی دوران سلطنتش خاموش کند، ولی از آن جا که ظاهراً عقیده داشت عمرش زیاد طول نخواهد کشید، چنین استدلال می کرد که این نیروهای سرکوب شده به کلی از بین نخواهد رفت و بلکه با کینه و تعصب بیشتری صبر

خواهند کرد تا او بمیرد و آن گاه در غلبان انقلابی که بعد از مرگ او شروع خواهد شد نه تنها وارث تاج و تخت بلکه خود سلسله پهلوی نیز یکسره نابود خواهد شد...

«راهی که پیشنهاد کردیم و تصویب نشد»، صحنه هایی از تاریخ معاصر ایران،

عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۴۷۸.

برخی از اظهارنظرهای آیت الله خمینی در پاریس:

«رغبت شخصی و وضع سنی و مزاجی من اجازه نمی دهد که بعد از سقوط رژیم فعلی، شخصاً نقشی در اداره امور مملکت داشته باشم».

مصاحبه با خیرگزاری آسوشیتد پرس، پاریس، ۱۶ آبان ۱۳۵۷ (ص ۸۲۹)

«من نمی خواهم رهبر جمهوری اسلامی باشم. نمی خواهم حکومت یا قدرت را به دست بگیرم. من فقط مردم را برای انتخاب حکومت ارشاد خواهم کرد».

مصاحبه با تلویزیون اتریش، پاریس، ۲۵ آبان ۱۳۵۷ (ص ۸۳۰)

«در حکومت اسلامی ایران، مطبوعات در نشر همه واقعیات و حقایق کشور آزاد خواهند بود و تشکیل هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم نیز آزاد خواهد بود».

مصاحبه با روزنامه ایتالیایی پاته سرا، پاریس، ۱۱ آبان ۱۳۵۷ (ص ۸۳۱)

«ما فقط مطالبه حقوق اولیه بشر را در ایران می کنیم».

مصاحبه با رادیو لوکزامبورگ، پاریس، ۱۱ آبان ۱۳۵۷ (ص ۸۳۱)

«پیشنهاد من برای ایجاد یک حکومت اسلامی، به معنی بازگشت به گذشته نیست، من قویاً طرفدار تمدن و ترقی هستم».

مصاحبه با خبرنگاران بین المللی در پاریس، روزنامه اطلاعات، ۲۱ دی ۱۳۵۷ (ص ۸۳۲)

«زنان در جمهوری اسلامی در انتخاب نوع فعالیت و سرنوشت خود، و همچنین پوشش خود، آزاد خواهند بود».

مصاحبه با روزنامه گاردین، ۲۵ آبان ۱۳۵۷ (ص ۸۳۲)

«ما حکومتی را می خواهیم که برای این که یک دسته می گویند مرگ بر فلان کس آنها را نکشد».

سخنرانی برای گروهی از ایرانیان مقیم اروپا، پاریس، ۱۲ آبان ۱۳۵۷ (ص ۸۳۴)

برخی از اظهارنظرهای «امام خمینی» در ایران:

«به آنها که از دموکراسی حرف می زنند گوش ندهید، آنها با اسلام مخالفند. می خواهند ملت را



از مسیر خودش منحرف کنند. ما قلمهای مسموم آنها بی را که صحبت ملی و دموکراتیک و اینها را می کنند می شکنیم».

در ملاقات با دانش آموان و فرهنگیان قم، ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ (ص ۸۳۵)

«آنها بی که با اسم دموکراسی می خواهند مملکت ما را به فساد و تباهی بکشند باید سرکوب شوند. اینها از یهود بنی قریظه نیز بدترند و باید اعدام شوند. ما به اذن خدا و امر خدا آنها را سرکوب می کنیم».

در مدرسه فیضیه، قم، شهریور ۱۳۵۸ (ص ۸۳۷)

«این ریشه های گندیده که الآن در کار هستند سرکوب می شوند و در نتیجه مملکت پاکسازی می شود. حضرت امیرالمؤمنین وقتی که مواجه شد با لشکر معاویه که از کفار هم بدتر بودند و همچنین با خوارج که از آنها هم همین طور بودند با شدت تمام رفتار نمودند و خوارج را چنان سرکوب کردند که از آنها فقط چند نفری توانستند فرار کنند».

خطاب به خانواده های خلیانان، قم، ۱۱ شهریور ۱۳۵۸ (ص ۸۳۸)

«من توصیه می کنم به شما مخالفین که این قدر اجتماع نکنید، این قدر اعلامیه ندهید، این قدر نشریه ندهید، جرأت کرده اید، سر در آورده اید؟ توی دهستان می زنم. مگر قدرت این را دارید؟ دست از این حرفها و از این مزخرفات بردارید».

خطاب به گروهی از روحانیون، قم، ۳۰ مهر ۱۳۵۸ (ص ۸۳۹)

«در انقلابی که در ایران حاصل شد در سرتاسر این مملکت فریاد مردم این بود که ما اسلام را می خواهیم. این ملت قیام نکردند که مملکتشان دموکراسی باشد».

در ملاقات با شورای مدیره صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، قم، ۱۹ آذر ۱۳۵۸ (ص ۸۴۰)

«مردم باید پند بگیرند از آن مادری که پسر خودش را آورد و به دست محاکمه سپرد و آن پسر اعدام شد. که این یکی از نمونه های اسلام است و دیگران هم باید همین طور باشند. اولادها و برادرها و فرزندان خودشان را اگر نصیحت نپذیرفتند معرفی کنند تا به مجازات خود برسند. وظیفه اسلامی و وظیفه ایمانی و ملی آنهاست به آن عمل کنند».

در ملاقات با افسران و درجه داران شهربانی جمهوری اسلامی، ۳ شهریور ۱۳۶۰ (ص ۸۴۰)

«این کاری که تو کردی، ای زن، که پسر را به مجازات سپردی، نمونه ای شد در اسلام. این کار را همه باید بکنند. وظیفه همه مردم مسلمان است که این کار را انجام بدهند».

در ملاقات با مادر محمود طریق الاسلام، برای اعلام او

به عنوان «مادر نمونه»، جماران، ۴ شهریور ۱۳۶۰ (ص ۸۴۰)

«انحصارطلبی فی نفسه یک امر فاسدی نیست. پیغمبرها هم همه انحصارطلب بودند. خدای تبارک

و تعالی هم انحصار طلب بود. انحصار این صحیح است. انحصار طلبی آقای بهشتی و این هفتاد شهید مظلوم هم خیلی صحیح است.»

در ملاقات با شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران، جماران، ۱۶ شهریور ۱۳۶۰ (ص ۸۵۲)  
«کسی که تمام توجهش به دآمداری ست، اونمی تواند آدم بشود و کسی هم که توجهش به باغداری ست، او هم نمی تواند آدم شود.»

در ملاقات نوری با مسؤولان مملکتی، جماران، اول فروردین ۱۳۶۲ (ص ۸۵۳)  
«هی می گویند گرانی ست. کمبود است. ما بیاییم نوامیس خودمان را، جان خودمان را، اسلام خودمان را به خطر بیندازیم که گوشت گران است و میوه گران است و مردم ناراضی هستند، و خدای نخواستہ این وحدت که هست ازین برود و همه نوامیس و همه زحمت‌های انبیاء علیه السلام هم به باد فنا برود. یک قدری آدم بشوید!»

در دیدار با وزیر کشور و همکاران او، ۲۱ فروردین ۱۳۶۲ (ص ۸۵۴)  
«این ملت هست و این روحانیت هم هست، این را بدانید که در هر جایی از این مملکت، فقط روحانیت می تواند کارها را از پیش ببرد. این قدر تعصب نکنید که بخواهید کنار بگذارید روحانیت را. آخر شما در ظرف چندین سال چه کار کردید برای کشور که حالا می گویند روحانیون نباید مصدر کارها باشند؟ قدر این روحانیت را بدانید. شما نمی فهمید درست! اگر این طایفه را از کار کنار بگذارید اسم و رسمی از اسلام نخواهد بود. فرض کنید یک روحانی هم یک جایی خلاف کرده است، چرا شما باید خلاف بکنید و فلان معمم نباید خلاف بکند؟»

در ملاقات با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، جماران، ۶ خرداد ۱۳۶۰ (ص ۸۴۲)

### اظهارنظرهای مختلف «امام خمینی» درباره موضوع واحد:

«اگر برای چند گرم هروئین چندین نفر را بکشند می گویند قانون است، این قوانین خلاف انسانی جعل می شود به نام این که می خواهند جلوفساد را بگیرند، من نمی گویم هروئین بفروشند، لیکن مجازاتش اعدام نیست.»

آیت الله خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۳

«اینها که به فروش هروئین اقدام می کنند، اینها که با قاچاق و فروش مواد مخدر جوانان ما را معتاد می کنند، باید اعدام شوند. هیچ ترحمی در مورد آنها جائز نیست.»

امام خمینی، از بیانیه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ (ص ۸۴۶-۸۴۷)

«فقها و مجتهدین، هیچ وقت با اساس سلطنت مخالفتی نداشتند و حتی از آن پشتیبانها نیز کردند.»

آیت الله خمینی، کشف الاسرار، ص ۱۸۶

«سلطنت از اصل رژیم غلطی بوده است و خداوند امر فرموده که مردم باید به سلاطین کافر شوند».

سخنرانی در نوفل لوشاتو برای گروهی از ایرانیان، ۲۲ آبان ۱۳۵۷ (ص ۸۴۷)

«دانش آموزان عزیز باید با کمال دقت اعمال و کردار دبیران و معلمین را زیر نظر بگیرند، که اگر خدای ناکرده در یکی از آنان انحرافی ببینند بلافاصله به مقامات مسئولان گزارش نمایند، و خود دبیران و معلمین با هوشیاری مواظب همکاران خود باشند تا اگر بعضی از آنان خواستند افکار انحرافی خود را در خلال تدریس به فرزندان میهن اسلامیان القاء کنند از آنان جلوگیری نمایند، و در صورتی که فایده ای نبخشید با قاطعیت مطلب را با مسئولان در میان بگذارند».

«فرزندان عزیزم خود نیز از یکدیگر به بهترین وجه مراقبت نمایند و در صورتی که مشاهده کردند که بعضی از دشمنانشان در لباس دوست و همشاگردی می خواهند آنان را جذب گروه خود کنند به مقامات مسؤول معرفی نمایند و سعی کنند این کار را به صورتی مخفی انجام دهند».

«مادران و پدران متعهد از رفت و آمدهای فرزندانیشان سخت مراقبت نمایند و آنان را زیر نظر بگیرند».

پیام به مناسبت روز بازگشایی مدارس، اول مهرماه ۱۳۶۱ (ص ۸۴۱)

«... دانشگاه که باز شده است، بدانند این جوانها که دستها ممکن است در کار باشد که باز مسائل را طور دیگری کنند و شماها را منحرف کنند. همان دفعه اولی که شما از یک استاد، یا از یک دانشجو، یک چیز انحرافی دیدید، همان دفعه اول گزارش بدهید تا جلوی گرفته شود».

در بازگشایی دانشگاهها، مجله پیام انقلاب، شماره ۷۵، ۱۸ دی ماه ۱۳۶۱، ص ۸

«هیچ کس حق ندارد به دنبال اسرار مردم باشد. هیچ کس حق ندارد تجسس از گناهان غیر نماید. هیچ کس حق ندارد اسراری را که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند».

از پیام ۸ ماده ای امام خمینی

«با فرستادن طبقه فاضله و امنای خود به «مجلس مؤسسان»، قانون اساسی جمهوری اسلامی را به تصویب برسانید. این وظیفه شرعی است».

پیام به ملت ایران، ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ (ص ۸۴۴)

«کسانی که به خیال خودشان روشنفکر هستند و «مجلس مؤسسان» می خواهند باید دست از کار خودشان بردارند. اینها با اسلام مخالفند و از اسلام می ترسند».

در مبارزه با نمایندگان مجلس خبرگان، قم، ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ (ص ۸۴۴)

«این که بعضیها با رئیس جمهور [بنی صدر] مخالفت می کنند، کارشکنی می کنند، اینها را

اشخاصی که تعهد به اسلام ندارند تحریک می کنند، چه از خارج و چه از داخل. به جان هم می اندازند آنها را برخلاف مصالح کشور».

در ملاقات با کارگران معادن ذوب آهن و جهاد

سازندگی کرمان و زیند، ۱۵ بهمن ۱۳۵۹ (ص ۸۱۵)

«این آدم [بنی صدر] از اول ادعای این را می کردند که ما مسلمان هستیم و برای اسلام و کذا. من هم از اول فهمیدم که دروغ می گویند. بعد هم گفت ما مخالف با امریکا هستیم که این هم معلوم بود دروغش. و حالا این آدم و آن آدمها به کشورهای ستمگر رفته اند و با اسلام می خواهند مخالفت بکنند».

در ملاقات با گروهی از افسران و درجه داران شهربانی، جماران، ۳ شهریور ۱۳۶۰ (ص ۸۱۵)

«ما باید به هر قیمت شده انقلاب خود را به تمام ممالک اسلامی و تمام جهان صادر کنیم. انقلاب ما تا بانگ آن در تمام جهان طنین نیفتد، باید ادامه یابد».

پیام به مناسبت دومین سالروز انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۵۸ (ص ۸۱۶)

«ما قصد صدور انقلاب اسلامی را نداریم. اینها حرف دشمنان ماست. ما دنبال آن هستیم که دنیا در صلح و آرامش باشد. اسلام از اول هم تشیید بین مؤمنین در بین مسلمین، اخوت را سفارش فرموده است، بلکه ایجاد فرموده است».

در ملاقات با مسئولان صدا و سیما، ایران، ۱۶ مرداد ۱۳۶۱ (ص ۸۱۶)

### اظهار نظر فرزند «امام خمینی» درباره «امام»:

«امام قبل از انقلاب، و بعد از انقلاب تغییری نکرده اند. فقط بعد از انقلاب مهرباتر شده اند».

حجة الاسلام سید احمد خمینی، مجله پیام انقلاب، ۲۲ خرداد ۱۳۶۱

«حالا امام فرصت کتاب خواندن زیاد ندارند، اما در نجف شاید در روز صدها صفحه کتابهای علمی و فلسفی می خواندند. از کتابهایی که از اول تا آخر خواندند شوهر آهو خانم بود».

همان حجة الاسلام، همان مجله

### اظهار نظر رجال جمهوری اسلامی درباره «عدالت»

«این جنایتکارها که در بازداشت هستند متهم نیستند بلکه جرمشان محرز است. باید فقط هویت آنها را ثابت کرد و بعد آنها را کشت. اصلاً احتیاج به محاکمه آنها نیست. هیچ گونه ترحمی درباره آنها مورد ندارد. ما معتقدیم که مجرم اصولاً محاکمه ندارد و باید او را کشت».

امام خمینی، پیام به ملت ایران، ۹ تیر ۱۳۵۹ (ص ۸۴۰)

«وقتی که این حقوق بشر آمدند حبسهای ما را دیدند، رفتند، گفتند: حبسها خوب است، مطابق با تمدن است. مطابق با دموکراتیک است، برای این که منطق، منطق اسلامی ست.»

امام خمینی، قم، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ (ص ۸۵۱)

«اعدام مفسد فی الارض که در اسلام روی آن خیلی تأکید شده، نه تنها بد نیست، خیلی هم فایده دارد. دورایت داریم که این کار نفعش و فایده اش زیادتر است از این که چهل روز بارندگی بشود.»

آیت الله آذری قمی دادستان کل انقلاب اسلامی ایران،

اطلاعات، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ (ص ۸۵۸)

«در رأس همه نهادهای انقلابی دادگاههای انقلاب اسلامی ایران است. در این دادگاهها، تصفیه هزار فامیل اکثراً با دست من انجام گرفته و حساب آنها رسیده شده،\* و مصادره ها که حالا هم بنیاد مستضعفان روی همان مصادره ها پایه گذاری شده است. حالا آقا یانی که روشنفکر شده اند یا اینها مخالفند، می خواهند ما را امریکایی و اروپایی بار بیاورند، لبرالها و روشنفکر نماها از اول نگذاشتند از بدو امر این کار به سامان برسد.»

حجة الاسلام شیخ صادق خلخالی، مصاحبه با روزنامه اطلاعات، ۹ آذر ۱۳۵۹ (ص ۸۵۸)

«دادگاههای انقلاب اسلامی مظلوم واقع شده اند. البته صحیح هم هست که کوتاهی کرده اند و از پیروزی انقلاب به بعد، آن اندازه که باید، اعدام نکرده اند. ما از بابت این مسامحه کاری از مردم عذر می خواهیم.»

آیت الله محمدی گیلانی حاکم شرع دادگاههای انقلاب

اسلامی مرکز، سخنرانی رادیویی ۲۶ آذر ۱۳۵۹ (ص ۸۵۸)

«اگر ما با ضد انقلاب مماشات می کنیم این نه دلیل ضعف ماست. اگر امام تنها اشاره ای بفرماید آن وقت قاطعیتی از دادرای انقلاب خواهید دید که در تاریخ نمونه اش نباشد.»

سید اسدالله لاجوردی دادستان انقلاب تهران، مصاحبه رادیو تلویزیونی، ۲۶ آذر ۱۳۵۹ (ص ۸۵۹)

«بنده معتقدم اگر همان قواعدی که رسول الله و امیرالمؤمنین و خلفای راشدین پیاده کردند پیاده بشود، اساساً چندان زندانی باقی نمی ماند و مسأله زندانهای ما حل می شود. وقتی رسول الله با بیانات و الایمان قضاوت بکند، مجرم دیگر برای چه مفت در زندان بماند و مفت بخورد و بخوابد؟ کیفر او در دستش گذاشته می شود، یا اعدام می شود یا عقوبت مالی، یا تعزیر. این مسأله هم در اسلام خیلی روشن است. اگر دو یا سه بار حد ببیند، یعنی کتکش را بخورد، بار چهارم اعدام

\* وی در یک گفتار تلویزیونی اعلام کرد که حکم اعدام عده ای قریب یک هزار و هشتصد تن را صادر کرده و همه با اجازه امام خمینی بوده است.

می شود. وقتی این طوری شد، این را می گویند قوانین، قوانین قضایی، قوانین انقلابی. نه آن که افراد مفتخور توی زندان نقاشی کنند».

آیت الله محمدی گیلانی حاکم شرع...، اطلاعات، ۷ مهر ۱۳۶۱ (ص ۸۶۰-۸۶۱)  
 «این گروهکها خیال می کردند می توانند حکومت خدا را کنار بزنند و تقی زاده را روی کار بیاورند. ما پدرشان را در آوردیم. تازه خیلی هم گذشت به خرج دادیم، مگر در نهران جقدر اعدام شدند از این گروهکها؟ فقط هزار و اندی. در صورتی که شما می دانید ما در مقابل بهشتی را از دست دادیم که نور دیده این ملت بود...».

همان آیت الله، اطلاعات، ۸ مهر ۱۳۶۱

### چند کلمه درباره نحوه اجرای عدالت در جمهوری اسلامی:

بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «قصاص» به صورتی که در قرآن مجید مذکور است جنبه قانونی یافت و به مرحله اجرا در آمد: بریدن انگشتان یا دست، سنگسار و شلاق زدن و غیره. در چند مورد نیز به حکم قاضی شرع مجرم را در درون کیسه ای کردند و از بالای کوه به دره پرتاب کردند تا بمیرد. قضات همه «قاضی شرع» هستند و حجة الاسلام و آیت الله، نه فارغ التحصیل رشته های قضایی دانشکده های حقوق. در شیوه قضات اسلامی سلسله مراتب دادگاههای بخش و شهرستان و استان و دیوان عالی کشور (مانند دوره پیش) منسوخ گردیده، گرچه پستهایی مانند رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل و امثال آن حفظ شده است. رئیس قوه قضائیه که آیت اللهی ست از طرف ولی فقیه منصوب می گردد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در نخستین محاکمه ها، قضات با پارچه ای روی خود را می پوشانیدند تا شناسایی نشوند. سالها به متهمان اجازه داده نمی شد وکیل مدافع داشته باشند. قبل از هر محاکمه آگهی می شد کسانی که از متهم شکایت دارند، برای ادای شهادت در جلسه دادگاه حاضر شوند. تعداد دختران و زنانی که در این سالها در دادگاههای اسلامی به مرگ محکوم گردیده اند یا بارها شلاق خورده اند و یا مورد «تجاوز» قرار گرفته اند، به یقین در طول تاریخ ایران بی سابقه است. در این دادگاهها سن و سال متهمان نیز مطرح نیست. یکی از معروفترین قضات شرع حجة الاسلام حاج شیخ صادق خلخالی ست که در تاریخ ۲۶/ج/۱۳۹۹ هـ. ق. به موجب حکم صادر از سوی «امام خمینی» بدین سمت مهم برگزیده شد تا «با موازین شرعیه حکم شرعی صادر» نماید. اولین حکمی که وی صادر کرد در ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ بود که پس از یک «محاکمه» کوتاه، ارتشبد نصیری، سپهبد رحیمی، سرلشکر خسروداد، سرلشکر ناجی را به مرگ محکوم

ساخت و آنان را در پشت بام مدرسه اسلامی رفاه - محل اقامت «امام خمینی» در تهران - تیرباران کردند. در تصویری که در کیهان لندن (شماره ۷۴۴، ۲۲ بهمن ۱۳۷۷) چاپ شده است، اجساد این چهارتن را نشان می دهد در حالی که دست راست سپهبد رحیمی از آرنج قطع گردیده است. درباره علت قطع دست وی نوشته شده است سپهبد رحیمی در واکنش به سخن دشنام آمیزی که از احمد خمینی، «فرزند امام»، شنیده بود به گوش او سیلی زد و به همین گناه، نخست دست او را قطع کردند و بعد تیرباران. ناگفته نماند که این مجازات در مورد افراد دیگر نیز گزارش شده است. ف. شیوا در کتاب باگامهای فاجعه (پائیز ۱۳۶۸، آلمان غربی، ص ۶۵) نوشته است:

فرمان نژاد، هوشنگ، افسر سابق ارتش، زندانی رژیم شاه به مدت طولانی، معاون شعبه امور مالی، در زندان پیش از آن که اعدام شود یک بار به صورت [سید اسدالله] لاجوردی [دادستان انقلاب اسلامی] سیلی زد و دست او را به عنوان «فصاح» قطع کردند.

در زمستان ۱۳۷۷ نیز اعلام شد زنی به علت ارتکاب قتل و... از طرف دادگاه شرع محکوم شد که نخست دستش را قطع کنند و بعد او را اعدام نمایند. به علاوه در احکام صادر از سوی مقامات شرع به «شتر» نیز بارها اشاره گردیده است، چنان که چون مردی برای ازدواج با زن مورد علاقه اش سه فرزند خود را کشت، به حکم دادگاه انقلاب اسلامی بابل به ده سال زندان و دادن سیصد شتر به خانواده مقتولین و سنگسار در ملاعام محکوم شد. کیهان، لندن، شماره ۷۴۳، ۱۵ بهمن ۱۳۷۷

امام زمان، جنگ و شهدا  
 «امام خمینی» درباره جنگ هشت سال و نیمه عراق و ایران چند بار به صراحت اظهار داشت که جنگ از نعمتهای الهی است.

«شما الان تحت نظر خدا و امام زمان هستید. شما را شخصاً مراقبت می کنند. نامه اعمال شما را هم مرتباً برای امام زمان علیه السلام می فرستند».

امام خمینی، خطاب به سپاه پاسداران اسلامی، ۴ اسفند ۱۳۶۰ (ص ۸۸۸)  
 «فرق است میان آنهایی که جنگ می کنند با اطمینان به این که صاحب الزمان روحی فداه شخصاً فرمانده آنهاست و آنهایی که صدام علفی فرمانده آنهاست».

\* نقاشان معتمد اسلامی، بارها حضور امام زمان را در صحنه های مختلف جنگ عراق و ایران در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نشان داده اند، از جمله در فصلنامه هنر، سال اول، شماره ۱، پائیز ۱۳۶۱.

امام خمینی، پیام به مناسبت روز ارتش جمهوری اسلامی، ۲۹ فروردین ۱۳۶۱ (ص ۸۸۸)  
 «فردی که به تازگی از جبهه آمده است در رابطه با امدادهای غیبی به من گفت: صدامیان  
 مدرترین موشکهای خود را به سوی خارک شلیک می کنند، اما گویا دستی این موشکها را یا در  
 آب یا در بیابان و زمین پابین می آورد و حتی وقتی موشک به مخزن بنزین می خورد از سوی دیگر  
 آن خارج می شود بی آن که در مخزن انفجاری به وجود بیاید، و این جاست که انسان وجود  
 صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و نصرت خدا را می بیند و لمس می کند».

حجة الاسلام ناطق نوری وزیر کشور جمهوری اسلامی،

در خطبه نماز جمعه ۱۴ آبان ۱۳۶۱ (ص ۸۸۸)

«شهید حداد عادل بعد از دیدن جنازه های عراقیها از من می پرسید: شما این پیروزی را در چه  
 می بینید؟ به ایشان گفتم: دست غیب یار ما بوده، و چون اسم طرح به نام حضرت ثامن الائمه علیه  
 السلام بود، یقین دارم که امام زمان (عج) هم فرمانده ما بود».

حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، نشریه درسهایی از مکتب اسلام، خرداد ۱۳۶۱ (ص ۸۹۰)

«برای اولین بار دانشکده خلبانی به صورتی که باسخگوی نیازهای عقیدتی پرسنل باشد در  
 جمهوری اسلامی تکمیل خواهد شد تا بتوانیم جهت زمینه سازی ظهور حضرت مهدی -عج -  
 اقدام کنیم».

سرهنگ معین پور فرمانده نیروی هوایی، در مراسم

تحلیف دانشجویان این نیرو، ۲۴ فروردین ۱۳۶۲ (ص ۸۸۴)

«مرگ شهدا از نظر تجارتمی معامله ای توأم با سود است. شهید وقتی از این دنیا می رود فرشتگان  
 الهی او را احاطه می کنند و رحمت خدا را به رخس می کشند و او را به رضوان الهی دلخوش  
 می کنند».

حجة الاسلام خامنه ای، رئیس جمهوری اسلامی،

خطاب به خانواده های شهداء، ۱۲ فروردین ۱۳۶۲ (ص ۸۸۱)

«به ما می گویند شما چند هزار شهید دادید، می گوئیم: دادیم که دادیم. خیلی هم برایشان  
 خوب شد که به فیض شهادت رسیدند و با حمزه سید الشهداء و با امام حسین و عباس و اینها  
 محشور شدند و فیض بردند. از برکات آنها هم صنعت ما بالا رفت، هم شهادت ما بالا رفت. پس ما  
 یک قدرت در خاورمیانه شدیم. خواب را از چشم ریگان گرفته ایم، و میتران دارد خواب پریشان  
 می بیند».

آیه الله محمدی گیلانی، حاکم شرع و رئیس دادگاههای

انقلاب اسلامی، اطلاعات، ۷ مهر ۱۳۶۱ (ص ۸۷۳-۸۷۴)



«ما اعتقاد داریم که این جنگ [جنگ عراق و ایران که هشت سال و نیم طول کشید] رحمت است و اگر بیست سال طول بکشد، ملت ما بیشتر به سوی الهی شدن گام برخواهد داشت».

صدیقه رجایی، همسر رئیس جمهوری فقید، ۱۶ فروردین ۱۳۶۲ (ص ۸۸۲)

### ایران و ملی گرایی

«ملی گرایی، اساس بدبختی ماست. اینها نقشه هایی ست که مستعمرین کشیده اند، ما چقدر سیلی خوردیم از این ملیت، اینها بروند گم شوند. اینها با بد خجل باشند».

امام خمینی، در کنگره آزادی قدس، حسینیه جماران، ۱۸ مرداد ۱۳۵۹ (ص ۸۶۳)

«خیلی باید توجه داشته باشید که به اسم ایران و به اسم کشور ایرانی شیاطینی نخواهند شما را منحرف کنند از اسلام عزیز. هر فساد که هست از ملیت و ملی گرایی ست. بدانید که طرح این مسائل از باب تفرقه است».

امام خمینی، خطاب به افسران نیروی هوایی، ۱۹ بهمن ۱۳۵۹ (ص ۸۶۴)

«اصلاً مسأله میهن با مسأله اسلام دو موضوع متضاد است که با هم جور در نمی آید. «ملی» یعنی چه؟ بنده به عنوان یک مسلمان چه انگیزه ای دارم که وطن منهای اسلام را نجات بدهم؟».

حجة الاسلام خوئینی ها، نماینده و معاون مجلس شورای اسلامی، روزنامه کیهان، ۲۱ مرداد ۱۳۶۱ (ص ۸۶۴)

### درباره فردوسی:

«فردوسی از رستم خیالی و پادشاهان تعریف کرده، در حالی که در کتاب خود حتی یک کلمه هم از انسان و انسانیت و یا خراسانی رنج دیده نامی نبرده است. شاهنامه فردوسی، شاه نامه نیرنگ و دروغ و سرگرم کننده مردم بدبخت ماست».

حجة الاسلام شیخ صادق خلخالی، نماینده مجلس شورای اسلامی (در چمن دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، فردوسی سابق)، روزنامه اطلاعات، ۲۲ دی ۱۳۵۸

«متأسفانه باید بگویم در تاریخ ادبیات ما، لکه های تنگی هم وجود داشته اند. این تالار قبلاً به نام رودکی بود. رودکی که بود؟ کسی که درباره شراب خوب شعر می گفت و کسی که خوب می نواخت... یا نسبت به حماسه سرای ایران، اگرچه دارای برخی اشعار خوب نیز هست... ولی اگر نام اشکیوس، نام گرشاسب و رستم و سهراب را از این مجموعه بردارید چه می ماند. چون شاهنامه بود خیلی بزرگش کردند. ولی ملت انقلابی شاهنامه نمی خواهد، پاسدارنامه می خواهد. ملت ما انقلاب نامه می خواهد. فردوسی عوض رستم و اسفندیار چرا ابودجاجة ها را ترسیم نکرد چرا حنظل ها را ترسیم نکرد، چرا حماسه های بدر و احد را بازگو نکرد که برود افسانه ها و

خرافات را پیاده کند».

حجت الاسلام عبدخدایی، فصلنامه هنر، شماره اول، سال اول، پائیز ۱۳۶۱،  
تپه شده در وزارت ارشاد اسلامی، فرهنگسرای نیاوران  
میر حسین موسوی نخست وزیر نیز بر اقدام رضاشاه در برگزاری هزاره فردوسی خرده ها  
گرفته است («دیدگاه میر حسین موسوی نخست وزیر پیرامون هنر معاصر»، فصلنامه هنر،  
شماره ۲، سال اول، زمستان ۱۳۶۲).

### درباره مقام استثنائی رهبر:

«امام، رهبر دین و جانشین پیغمبر است و بعد از پیغمبر کارهای او را انجام می دهد. امام ولی و  
پیشوای مردم است... امام قانونها و دستورهای دین را می داند و به مردم می رساند. امام نیز مانند  
پیغمبر یک رهبر کامل است.... در علم و دانش و قدرت رهبری از همه مردم بالاتر است و هیچ  
کس به مرتبه او نمی رسد. خدای دانا به وسیله پیغمبر، همه این علوم را به امام داده است و پیغمبر  
به امر خدا رهبری و سرپرستی امت اسلامی را به او سپرده است».

کتاب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی سوم دبستان، چاپ ۱۳۶۰  
«از عصر حضرت علی تا کنون سابقه نداشته است که رهبری ارتش اسلام را شخصیتی  
به صلاحیت امام خمینی به عهده داشته باشد».

حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، در ملاقات با فرماندهان ارتش، ۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ (ص ۸۵۶)  
«مقر امام خمینی از هر جایی که تصور شود بالاتر است، کعبه است، قدس است، لاهوت است».

فخرالدین حجازی نماینده مجلس شورای اسلامی،  
در اجتماع دانشگاه تهران، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ (ص ۸۵۶-۸۵۷)  
«مشروعیت ولایت و حق حکومت ولی، آسمانی است و مردم آن را تعیین نمی کنند. وقتی مردم  
به پیامبر (ص) ایمان آوردند به معنای آن نیست که آن حضرت با ایمان مردم ولی شد. برخی  
روشنفکر نمایان در کتابهای خود ولایت و امامت را از یکدیگر جدا کرده اند، در حالی که این دو  
یکی هستند».

آیت الله محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه، در جمع امامهای جمعه و  
گروهی از روحانیت فارس در شیراز، ایرانیان واشنگتن، شماره ۵۲، ۲۹ آبان ۱۳۷۷  
از مصاحبه روزنامه اطلاعات بین المللی، در لندن با حجت الاسلام والمسلمین محمدی  
گیلاتی، رئیس دفتر رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای:  
- آیا شما می توانید تصویری کلی از برنامه یک روزه و یا یک هفته ایشان [آیت الله العظمی

سید علی خامنه ای، ولی فقیه] را ارائه کنید؟

\* حداقل یک ساعت مانده به اذان صبح بیدار می شوند و پس از نماز صبح اگر برنامه کوه داشته باشند تشریف می برند و گرنه قدری استراحت می کنند و طبق معمول ساعت ۸ صبح کارشان را شروع می کنند.

- شنیده بودیم بعضی وقتها نماز صبح را در یکی از قله های کوههای اطراف تهران می خوانند؟

\* بله، گاهی هم اتفاق می افتد که نماز صبح را بالا، روی کوه می خوانند، گاهی از اوقات تا توجال می روند.

اطلاعات بین المللی، شماره ۱۱۲۹، ۱۶ دی ۱۳۷۷

### درباره جمهوری اسلامی ایران

«گمان نمی کنم در دنیا قانون اساسی بهتر از این فرم باشد. در دنیا یک چنین چیزی دیده نشده است. مردم هم به این قانون اساسی، ۱۶ میلیون نفر تقریباً یک قدری بیشتر رأی دادند».

امام خمینی، پیام به ملت به مناسبت تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، ۲ تیر ۱۳۵۸ (ص ۸۴۹)  
«در دنیا هیچ دموکراسی بهتر از این دموکراسی ما نیست. یک چنین چیزی تا حالا دیده نشده است».

امام خمینی، خطاب به وزیر امور داری و اقتصادی، ۲ تیر ۱۳۵۸ (ص ۸۵۱)  
«ملت ما امروز الگویی شده است از برای همه کشورها».

امام خمینی، در ملاقات با خانواده های شهدای نیروی هوایی، ۸ دی ۱۳۵۹ (ص ۸۵۱)  
«در این دو سال آن قدر در مملکت کار شده است که آدم باور نمی تواند بکند».

امام خمینی، جماران، ۲۷ بهمن ۱۳۶۰ (ص)  
«ما الآن هر چه گرفتاری داریم از رژیم گذشته داریم. رژیم حاضر برای شما گرفتاری بحمدالله نیاروده. بر آنهایی هم که به خارج می روند، هر جا می روند وقتی که بر می گردند می گویند که ملتها همه عاشق ایرانند».

امام خمینی، در ملاقات با مریان امور تربیتی، ۲۸ شهریور ۱۳۶۱ (ص ۸۵۳)  
«امروز در سطح جهان تنها جامعه اسلامی ما ممتاز است به رهبری و سرافراز به وجود امام و رهبر است، آن هم رهبری که ملاک رهبری او، با هیچ ملاکی جز ملاک پیامبران الهی قابل مقایسه نیست».

حجة الاسلام علی خامنه ای، رئیس جمهوری در خطبة نماز عید قربان، ۶ مهر ۱۳۶۱ (ص ۸۵۷)

«دموکرات ترین کشور دنیا امروز ایران است. شما این را از ریگان، از میثران، از تاجر و از هر کس می خواهید بپرسید.

«ما در سیاست از موفق ترین انقلابهای دنیا هستیم. وزارت خارجه ما با فعالیتهایی که می کند، سیاست گردان دنیا ما شده ایم. رهبری امام امروز در خیابانهای لندن هم برقرار است.

«کارهایی که ما در این چهار سال از لحاظ اقتصادی برای این مملکت کرده ایم، در حد معجزه است. اگر اینها معجزه نیست پس معجزه نیست؟

«این تهران بحمدالله وضعش خیلی بهتر شده است. حالا خیابانهایش با خیابانهای قم هیچ فرقی ندارد.

«بعضی خیال می کنند دانشگاه که تعطیل شده یعنی جمهوری اسلامی ضد علم است. نجبر، چون طرفدار علم است این کار را کرد...».

حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای

اسلامی، در خطبه نماز جمعه، تهران، ۳۰ مهر ۱۳۶۱ (ص)

«مجلس شورای اسلامی ما از حیث امتیازات در دنیا کم نظیر است. در کمتر مجلسی در دنیا این امتیازات را دیده ایم. جایی را سراغ نداریم که مجلسی به این خوبی داشته باشد. مخصوصاً این رئیس مجلس ما، که در مذاکراتش با مقامات خارجی هر بار بخشی از تاریخ کشور ما را در مقابل چشم آیندگان رقم می زند».

حجة الاسلام خامنه ای، رئیس جمهوری اسلامی، در دیدار با

کارکنان روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۳۰ آبان ۱۳۶۱ (ص ۸۷۹)

«در زیر آسمان و در روی زمین، اگر یک مملکت مستقل باشد ایران است».

آیت الله موسوی اردبیلی، در خطبه نماز جمعه، تهران، ۱۹ آذر ۱۳۶۱ (ص ۸۷۹)

«ما در حال پیاده کردن نظامی هستیم که چگونگی اداره ملتها توسط اسلام را نشان می دهد».

حجة الاسلام خامنه ای، رئیس جمهوری اسلامی در دیدار

با فرماندهان عملیاتی سپاه پاسداران، ۱۹ بهمن ۱۳۶۱ (ص ۸۸۱)

«کار توسعه اقتصادی، صنعتی و خدماتی که در دوره «هشت ساله سازندگی» [دوران ریاست

جمهوری هاشمی رفسنجانی] انجام گرفته از دوره حاکمیت مادها تا امروز بی نظیر بوده است».

آیت الله هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای مسؤولان

شوراهای هماهنگی... دهه فجر، اطلاعات بین المللی، شماره ۱۱۴۳، ۶ بهمن ۱۳۷۷

«در دنیا کشوری آزادتر از ایران وجود ندارد».

واعظ طبسی، تولیت آستان قدس رضوی و نماینده ولی فقیه

در خراسان، ایران تایمز، شماره ۱۴۲۰، بهمن ۱۳۷۷

«در سازندگی مادی کشور آنچه در این بیست سال اتفاق افتاده، در همه دوران حکومت جباران پهلوی و پیش از آن بی سابقه است و حجم خدماتی که در این مدت به دست فرزندان کشور و پروردگان انقلاب تقدیم ایران عزیز شده است فهرستی بلند و افتخار آمیز دارد».

پیام آیت الله خات ای رهبر انقلاب به ملت ایران، به مناسبت سالروز

۲۲ بهمن، اطلاعات بین المللی، شماره ۱۱۶۵، ۲۳ بهمن ۱۳۷۷

### «امام خمینی»

تا پیش از برقراری حکومت اسلامی در ایران، شیعیان دوازده امامی فقط دوازده تن را «امام» می خواندند (امام اول: امیرالمؤمنین حضرت علی (ع)، امام دوم: امام حسن (ع) ... امام یازدهم: امام حسن عسکری (ع)، امام دوازدهم: حضرت صاحب الزمان (ع)). در سالهای آخر سلطنت محمد رضا شاه، از حاج روح الله خمینی مدرس فیضیه قم با عنوان آیت الله خمینی نام برده می شد، ولی با پیشرفت انقلاب عنوان وی به ترتیب به آیت الله العظمی خمینی، آیت الله العظمی نایب الامام خمینی، آیت الله العظمی امام خمینی و سرانجام به مطلق «امام خمینی» تغییر کرد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز از وی چند بار با عنوان «آیت الله العظمی امام خمینی» نام برده شده است و سالهاست که «امام خمینی» جانشین دیگر عنوانهای قبلی او گردیده است. در سالهای پیش، در این که دقیقاً از چه زمانی عنوان «امام» برای وی به کار برده شده است تردید داشتم و در مقاله «بحشی درباره سابقه تاریخی القاب و عناوین علما در مذهب شیعه» (ایران نامه، سال اول، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۲، ص ۵۶۰-۶۰۸) فقط به ذکر شواهدی درباره کاربردهای مختلف این عناوین پرداختم. اما اخیراً متوجه شدم در زمانی که شاپور بختیار نخست وزیر وقت ایران تصمیم گرفت به دیدار آیت الله خمینی به پاریس برود، با نظر تنی چند، متنی را خطاب به آیت الله تهیه کرد که در آن، از خمینی با عنوان «آیت الله العظمی خمینی» نام برده شده بود. مطهری در تهران ضمن پیشنهاد چند تغییر در متن این نامه، تأکید کرده بوده است که به جای آن «آیت الله العظمی امام خمینی» نوشته شود. در حالی که آیت الله را در ایام اقامت در پاریس «نایب الامام» می خواندند. در آن موقع معلوم می شود از شب قبل از طرح این نامه با آیت الله، در پاریس تصمیم گرفته اند خمینی را «امام» بنامند (ناظر، کیهان، لندن، شماره ۵۵۶، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۴). مسلم است که این عنوان اگر از سوی خود «امام» پیشنهاد نشده باشد، وی مطلقاً با آن هم مخالفتی نکرده است. زیرا او چون به دلیلی با چاپ تصویرش در اسکناسها و تمبرها موافقت نکرده بود، در زمان حیاتش این

کار انجام نشد. پس امام خمینی عملاً شده است سیزدهمین امام شیعیان دوازده امامی سابق. و برای آن که وی با دوازده امام کمترین تفاوتی نداشته باشد، عنوان «امیرالمؤمنین حضرت علی (ع)» به «امام علی» تغییر داده شد تا حضرت علی (ع) با امام خمینی و یازده امام دیگر، از نظر عنوان، تفاوتی نداشته باشد - به استثنای زیارتنامه امام خمینی که به آن اشاره خواهم کرد - . برخی را عقیده بر این است که با این مقدمات، انشعاب جدید مهمی در مذهب تشیع به وجود آمده است: شیعه سیزده امامی!

ناگفته نماند زمانی که «امام خمینی» در قم به سر می برد و مردم دسته دسته از نواحی مختلف ایران به دیدار «امام» می شتافتند، به نوشته روزنامه های همان زمان، برخی از این افراد با توجه به عنوان «امام خمینی» و قداست کلمه امام، کاهگل دیوارهای خانه او را می تراشیدند و از آن مهر نماز درست می کردند.

پس از درگذشت «امام خمینی» نیز بر قبر وی به مانند قبر دیگر امامان، گنبد و بارگاهی عظیم بنا کردند که مانند مدفن دیگر امامان و امامزاده ها زیارتگاه مردم شده است، و آیت الله عبدالله جوادی آملی هم برای تکمیل کار، زیارتنامه ای برای «امام خمینی» نوشته که در آرامگاه وی نصب کرده اند و کسانی که به زیارت آن جا می روند آن را می خوانند. متن زیارتنامه «امام خمینی» بر اساس متن دیگر زیارتنامه ها تهیه شده است. این است بخشی از آن:

«زیارتنامه حضرت امام خمینی سلام الله علیه

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام علی آدم صفی الله السلام علی نوح نبی الله... السلام علیک یا رسول الله... السلام علیک یا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب وصی رسول الله... السلام علیک یا علی بن موسی الرضا... السلام علیک یا حجة بن الحسن المهدي المنتظر... السلام علیک یا روح الله الامام خمینی...»

مجله بر، شماره ۹۱ (سال ۸، ش ۷)، ص ۳۴-۳۶ (متن کامل زیارتنامه در پر کلیشه شده است)

ناگفته نماند که در این زیارتنامه برای هیچ یک از دوازده امام لفظ «امام» به کار برده نشده است، و «امام» اختصاص دارد به «روح الله الامام خمینی».

#### انقلاب اسلامی در کتابهای درسی

دولت اسلامی با دقت تمام از نخستین سال پیروزی انقلاب تا کنون تمام دانش آموزان را در مدارس هدف تبلیغات وسیع خود قرار داده است. در درجه اول به جای «ملت ایران» از

«امت اسلامی» با آنان سخن گفته می شود. از جمله در مقدمه کتاب انگلیسی سال اول دوره راهنمایی تحصیلی (چاپ ۱۳۶۱) در سبب آموزش زبان انگلیسی:

انگلیسی یاد می گیریم... تا فرهنگ اسلامی مان را که کتاب خدا، سنت پیامبر و روش امامان علیهم السلام است به صورت کتابهای زیبایی برای توده مستضعف جهان ترجمه کنیم...

در کتاب تعلیمات اجتماعی سال اول دوره راهنمایی تحصیلی (چاپ ۱۳۶۱):

در ویژگیهای رسمی کشور ما، همه جا توجه به اسلام دیده می شود. تاریخ ما، خط ما و علامت مخصوص جمهوری اسلامی، همه اسلامی ست... ما کوشش می کنیم تا زمینه را برای انقلاب اسلامی جهانی امام زمان حضرت مهدی علیه السلام آماده سازیم.

در کتاب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی سوم دبستان (چاپ ۱۳۶۰) در زیر عنوان

«امام، رهبر امت»:

امام، رهبر دین و جاننشین پیغمبر است و بعد از پیغمبر کارهای او را انجام می دهد. امام ولی و پیشوای مردم است... امام قانونها و دستورهای دین را می داند و به مردم می رساند. امام نیز مانند پیغمبر یک رهبر کامل است... در علم و دانش و قدرت رهبری از همه مردم بالاتر است و هیچ کس به مرتبه او نمی رسد. خدای دانا به وسیله پیغمبر، همه این علوم را به امام داده است و پیغمبر به امر خدا، رهبری و سرپرستی امت اسلامی را به او سپرده است.

در کتاب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی چهارم دبستان (چاپ ۱۳۵۹):

امام انسان امین و درستکاری ست که خدا او را برای «امامت و رهبری و ولایت مردم» بر می گزیند و پیامبر به فرمان خدا او را معرفی می کند... چون امام - مانند پیامبر - گناه و اشتباه ندارد، مردم به او اعتماد می کنند...

در کتاب فارسی پنجم دبستان (چاپ ۱۳۷۰)، در درس «یادی از آفتاب»، سخنان «امام خمینی» با دانش آموزان نقل گردیده، و در بخش «پرسش» درس، این سؤال مطرح گردیده است: «در این درس از چه کسی یاد می کنیم و چرا به آفتاب تشبیه شده است؟».

در کتابهای فارسی دوره دبستان و مدرسه راهنمایی چند صفحه ای نیز به انقلاب اسلامی اختصاص داده شده است و در آن برخی از شعارهایی را که مردم در روزهای انقلاب می داده اند چاپ شده است مانند: سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن، این است شعار ملی خدا قرآن خمینی، رهبر این سرزمین خمینی نازنین، حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله، خمینی بت شکن ریشه ظلم را بکن، نهضت ما حسینیه رهبر ما خمینیه، مرگ بر شاه مرگ بر شاه، ما دین علی خواهیم پهلوی نمی خواهیم، قسم به خون شهدا شاه تو را می کشیم، کمبود نفت و بنزین حیلۀ شاه بی دین، این شاه امریکایی اعدام باید گردد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد جمهوری اسلامی ایجاد باید گردد، نصر من الله وفتح قریب مرگ بر این سلطنت پر فریب، تا شاه کفن نشود این وطن و وطن نشود، تا مرگ شاه خائن نهضت ادامه دارد، جارو کش خمینی ام من جارو کش خمینی ام من، ما همه سر باز توایم خمینی گوش به فرمان توایم خمینی، خمینی عزیزم بگو که خون بریزم، به کوری چشم شاه ارتش برادر ماست، امام شویم فدایت فدای خاک پایت.

به علاوه جمهوری اسلامی با توجه به حوادث روز مملکت نیز دانش آموزان را در مدارس و می دارد تا شعارهای جدیدی را بر زبان بیاورند مانند: بهشتی بهشتی با خون خود نوشتی استقلال آزادی جمهوری اسلامی، درود بر منتظری امید مستضعفان سلام بر خامنه ای رئیس جمهور ایران، مرگ بر بی حجاب و شوهر بی غیرتش، مملکت بدون روحانیت مثل کشور بدون طبیب است، مرگ بر ضد ولایت فقیه، خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگهدار.

در «پرسش» ذیل درس «یادی از آفتاب» این عبارات نوشته شده است: «در محکمه تاریخ، محمد رضا پهلوی منقورتر است یا ضحاک ماردوش؟»، «به جاست که شکلکی از محمد رضای خون آشام قرینه ضحاک ماردوش نقاشی کنید»، «آیا خود آن شاه کثیف الشأن می دانست که چقدر دروغ می گوید؟ یا غرور فرعوننی و نخوت شاهنشاهی او را از درک حقیقت عاجز ساخته بود؟»، «آیا دیگر ضحاکهای زمان از بد فرجامی و ذلت محمد رضا پهلوی و پدر پلیدش عبرت نمی گیرند؟».

یادآوری:

- در دوران پهلوی ها، در کتابهای درسی، سلسله قاجاریه مورد بی حرمتی قرار نگرفته

بودند.

- در آغاز تمام کتابهای درسی بیست ساله اخیر، تصویر تمام قد «امام خمینی» چاپ شده است، در حالی که دست راست خود را بلند کرده و عبا بی تقریباً به رنگ سرخ پوشیده است. در دوره رضاشاه، تصویر شاه و ولیعهد در آغاز کتابهای درسی چاپ شده بود و در دوره بعد تصویر شاه و شهبانو، گاهی نیز تصویر سوم به والا حضرت اشرف اختصاص داده شده بود.

ج ۴۰

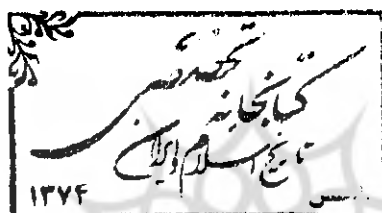
+ هفته نامه آبرود در ۱۸ اوت ۱۹۸۵ «فاش کرد که سالهاست یک واحد خاص از سرویس ضد جاسوسی ارتش انگلستان موسوم به «ام - آی - ۵» به ریاست ژنرال رانی استایم، دفتری به نام «مدیریت وظایف ویژه» در طبقه اول ساختمان مرکزی بی.بی.سی. در بوش هاوز لندن دارد که از آن جا سابقه کار همه کارکنان این مؤسسه و خط مشی



کلی برنامه های بی. بی. سی. را کنترل می کند. روز ۱۹ اوت یعنی فردای انتشار این گزارش، بر اثر جنجال فراوانی که چاپ آن در محافل مختلف انگلستان من جمله در پارلمان بریتانیا برانگیخت، سازمان بی. بی. سی. طی اعلامیه ای با امضای مدیرعامل خود پذیرفت که از سال ۱۹۳۷ به بعد، واحد اطلاعاتی و ضد جاسوسی «ام - آی - ۵» به طور ثابت بر رادیوی بی. بی. سی. نظارت داشته است. روزنامه تایمز لندن در شماره همان روز خود در این باره نوشت: «نحوه کار این سرویس، دیوان تفتیش عقاید اسپانیا را به خاطر می آورد».

به دنبال این جنجال، لئون بریتان وزیر کشور انگلستان که مسئول «ام - آی - ۵» هم هست، نقش این اداره را در بی. بی. سی. تأکید کرد و در دنبال آن از مقام خود مستعفی شد. گزارشهای تکمیلی مطبوعات فاش کرد که هر روزه مطالب مربوط به مسائل بین المللی من جمله اطلاعات بسیار محرمانه شامل گزارشهای سفیران بریتانیا و تحلیل اطلاعات گردآوری شده سازمان امنیت خارجی و مراکز اطلاعاتی مخبراتی این کشور، از طرف وزارت امور خارجه انگلستان برای بی. بی. سی. فرستاده می شود تا مطالب و اخبار منتشره این رادیو با نظارت «ام - آی - ۵» بر مبنای آنها تنظیم شود».

شجاع الدین شفا، «سخنی چند درباره نقد آقای شیخ عبدالله گله داری بر کتاب جنایت و مکافات...» کیهان، لندن، شماره ۱۷۸، ۱۹ آذر ۱۳۶۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی